

چکیده

با افزایش رقابت در فعالیتهای سنتی، پیچیده شدن مبادلات و گسترش بازارهای مالی، فعالیت بانکهای تجاری و تخصصی، هر روز ابعاد گستردهتری به خود می‌گیرد و بانکها پیوسته تلاش می‌کنند، با اجرای سیاستهای متناسب با تقاضای بازار و تنوع بخشیدن به خدمات خود، سهم بیشتری از تقاضای بازار را به خود اختصاص دهند. با وجود تمام پیچیدگیها عملکرد بانکها به‌عنوان مهمترین واسطه‌های مالی در دنیای امروز، دو نوع از فعالیتهای سنتی بانکی همچنان به‌عنوان اصلی‌ترین کارکردهای آن باقی مانده‌اند. این فعالیتهای عبارتند از: جذب وجوه سپرده‌گذاران و اعطای وام از محل سپرده‌ها و ارائه خدمات کارمزدی به‌رغم اینکه پیشرفت ادبیات اقتصاد بانکداری مدرن و تجربه‌های عملی بانکها در کشورهای توسعه‌یافته و بسیاری از کشورهای در حال توسعه، موجب شده است که فرآیند سیاست‌گذاری و اجرای این نوع فعالیتهای پشته‌های منطقی علمی و عملی مستحکمی را پیدا کرده و جزو بدهی‌های بانکداری محسوب گردند. این موضوعات و مسائل مرتبط با آن همچنان به‌عنوان موضوعات بحث‌انگیز صاحب نظران بانکی در کشور مطرح هستند. بر این اساس، این مقاله درصدد است که مقوله‌های نرخ سود پرداختی به سپرده‌گذاران، نرخ سود دریافتی بابت تسهیلات، جریمه تأخیر تأدیه تسهیلات اعطایی و بهای تمام شده خدمات بانکی را از ابعاد مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و متناسب با نتایج پیشنهاداتی ارائه کند. **الی بانکداری ایران**

کلمات کلیدی: نرخ سود پرداختی به سپرده‌گذاران، نرخ سود دریافتی بابت تسهیلات، جریمه تأخیر تأدیه تسهیلات اعطایی و بهای تمام شده خدمات بانکی.

مقدمه

کارکرد اصلی یک بانک ارائه خدماتی در زمینه گردآوری سپرده و ایجاد اعتبار و پرداخت تسهیلات است. در دهه اخیر با گسترش بازارهای جهانی، بازار خدمات بانکی رقابتی‌تر شده است و سودآوری این صنعت نسبت به دهه‌های گذشته، که بانک‌ها انحصار بیشتری در بازار خدمات مالی داشتند، کاهش یافته است.

کاهش حاشیه سود در کنار تغییرات پیوسته شرایط بازار، موجب شده است که بانک‌های اروپایی و آمریکایی روش‌ها و شاخص‌های بسیاری را به خدمت بگیرند تا اطمینان یابند که در این بازارهای مرتب در حال تغییر و سودده باقی مانده و ورشکست نمی‌شوند. یکی از مهمترین روش‌هایی که به این منظور به کار گرفته شده است، تعیین هزینه واقعی ارائه خدمات بانکی از جمله تسهیلات و اعتبارات و خدمات کارمزدی برای بانک است. تسهیلات اعطایی و خدمات کارمزدی را می‌توان تولیدات یک بانک به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی در نظر گرفت. به این منظور، تعیین هزینه واقعی این کالاهای (خدمات) تولیدی برای بانک امری حیاتی به‌شمار می‌آید. مانند هر بنگاه دیگر، چنانچه بانک قیمت وام و خدمات کارمزدی را کمتر از هزینه تمام‌شده آنها قرار دهد، ورشکست خواهد شد و چنانچه قیمت بسیار بالاتری را برای تسهیلات اعطایی خود قرار دهد، با از دست دادن مشتریان، سود کمتری را کسب خواهد کرد. تعیین هزینه واقعی تسهیلات اعطایی در نظام بانکداری اسلامی از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است. از آنجا که دریافت بهره در اسلام حرام است، بانک‌ها موظفند با محاسبه هزینه واقعی تسهیلات اعطایی، فقط این هزینه را از مشتریان خود دریافت کنند.

هزینه‌های تسهیلات اعطایی را به چهار گروه می‌توان تقسیم کرد: اول، هزینه منابع (جذب سپرده) دوم، هزینه ذخایر نقد و قانونی سوم، هزینه ریسک چهارم، هزینه‌های عملیاتی.

از این میان فقط خدمات کارمزدی دارای هزینه‌های عملیاتی (گروه چهارم) هستند. البته با گسترش بانکداری مدرن، آن دسته از خدمات کارمزدی که متضمن اعطای

اعتبار به مشتری هستند (مانند کارت‌های اعتباری)، سایر انواع هزینه‌ها را نیز در برخواهند گرفت.

در این مقاله سعی شده است که با توجه به اطلاعات در دسترس نگارنده، هر یک از این هزینه‌ها محاسبه شده تا قیمت تسهیلات اعطایی توسط بانک مشخص شود. آشکار است که اگر این قیمت‌گذاری به صورت بهینه انجام شده باشد، به مشتریان این انگیزه را می‌دهد که در زمان مقتضی تسهیلات دریافتی‌شان را بازپرداخت کنند. در واقع عدم بازپرداخت تسهیلات توسط مشتریان می‌تواند دو دلیل اصلی داشته باشد: قیمت‌گذاری نامناسب تسهیلات و اطلاعات نامتقارن بین بانک و مشتریان. در این مقاله، دربارهٔ عامل دوم بحث نمی‌شود و تنها از طریق عامل اول و از طریق بررسی عوامل تعیین‌کننده آن که هزینه‌های ذکر شده است، ریسک عدم بازپرداخت تسهیلات و جریمه‌های مربوط به آن مورد بررسی قرار گرفته است.

1-8- مروری بر هزینه‌های اعطای تسهیلات

در این بخش، هر یک از هزینه‌هایی که اعطای تسهیلات به وسیله بانک می‌تواند برای آن ایجاد کند، بیان شده و در هر مورد توضیحاتی ارائه شده است.

1-1-8- هزینه جذب سپرده

بانک منابع لازم برای اعطای تسهیلات را از راه جذب سپرده به دست می‌آورد و با مدیریت سپرده‌ها آن‌ها را به متقاضیان تسهیلات اعطا می‌کند. به این ترتیب، قسمتی از هزینه‌های یک تسهیلات، سودی است که بانک موردنظر برای سپرده‌های به خدمت گرفته شده در تأمین اعتبار آن تسهیلات پرداخت می‌کند.

2-1-8- هزینه ریسک

قسمت بعدی هزینه‌های یک تسهیلات، ریسک مترتب بر بازپرداخت آن است. واقعیت آن است که تسهیلات به عنوان تولیدات یک بانک، دارای ویژگی‌های خاصی هستند که آنها را از سایر تولیدات متمایز می‌سازند. مشکل اصلی هم در اعمال قرارداد

اعطای تسهیلات است. در هر قرارداد اعطای تسهیلات، بانک میزان خاصی اعتبار را در قالب یک قرارداد به طرف مقابل (تسهیلات گیرنده) پرداخت می‌کند و در مقابل، تسهیلات گیرنده متعهد می‌شود که مبالغی را در آینده به بانک بازپرداخت کند. از آنجا که میان انجام تعهدات بانک در قرارداد (پرداخت تسهیلات) و انجام تعهدات طرف مقابل (بازپرداخت تسهیلات) فاصله زمانی معناداری وجود دارد، احتمال دارد پس از آنکه بانک به تعهداتش عمل کرد، وام‌گیرنده نتواند به تعهداتش عمل کند (به دلیل فوت یا انحلال یا ورشکستگی و یا حتی کلاهبرداری). در عمل نیز در موارد بسیاری این امر اتفاق می‌افتد. به همین دلیل بانک‌ها برای وام‌های خود درخواست تضمین شخص ثالث و یا وثیقه می‌نمایند. در این صورت، نقد کردن وثیقه و گرفتن خسارت از تضمین کننده نیز فرآیندی زمان‌بر و پرهزینه است.

3-1-8- هزینه ذخایر نقد و قانونی¹

بخش دیگری از هزینه‌های تسهیلات، هزینه‌های سرباره‌ای است که بانک به دلیل اجبار به نگهداری دارایی‌های نقد نزد خود و ذخیره قانونی نزد بانک مرکزی متحمل می‌شود. بانک‌ها ناچارند براساس مقررات اعمال شده از سوی دولت، همواره بخشی از سپرده‌های به امانت گذاشته شده نزد خود را نزد بانک مرکزی نگهداری کنند. افزون بر آن، برای پاسخ به درخواست سپرده‌گذاران برای برداشت سپرده‌های خود، بانک‌ها ناچارند همواره کسری از سپرده‌های امانتی نزد خود را به صورت پول نقد یا اوراق بهادار تقریباً نقد نگهداری کنند. بانک‌ها برای سپرده‌های نقد خود و یا ذخایر خود نزد بانک مرکزی سودی دریافت نمی‌کنند،² لیکن وجوه لازم برای این کارها را از سپرده‌هایی تأمین می‌کنند که برای آن‌ها سود پرداخت می‌کنند.³ به همین دلیل، وجوه نقد موجود در صندوق بانک‌ها و ذخایر نقد آن‌ها نزد بانک مرکزی به گونه‌ای جزو هزینه‌های بانک به‌شمار می‌آیند.

در نگاه اول، شاید ارتباط مستقیمی میان این هزینه‌ها و وام‌ها و اعتبارات پرداختی مشاهده نشود، اما اگر به این نکته توجه شود که اخذ سپرده از سوی بانک‌ها به دلیل تأمین منابع لازم برای پرداخت تسهیلات است، آن‌گاه می‌توان توضیح داد که چرا این

¹ spread

² در برخی از کشورها به سپرده‌های نزد بانک مرکزی سود پرداخت می‌شود.

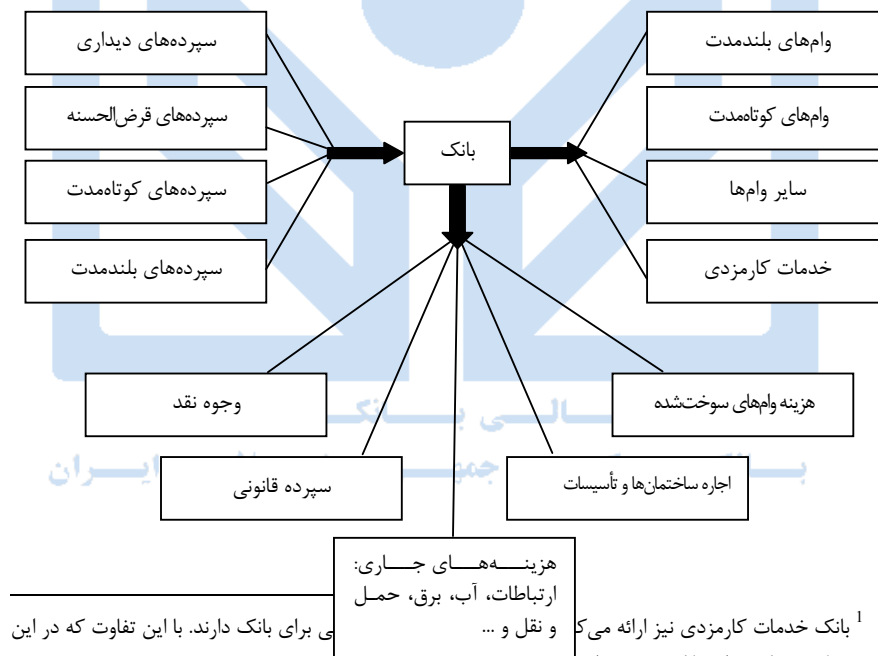
³ به خصوص که در برخی از کشورها بانک‌ها برای سپرده‌های دیداری نیز سود پرداخت می‌کنند.

هزینه‌های سرباره جزو هزینه‌های پرداخت تسهیلات به‌شمار می‌آیند. در واقع می‌توان هزینه وجوه نقد و ذخیره قانونی نزد بانک مرکزی را برای بانک‌ها هم‌تراز هزینه حمل مواد اولیه یک کارخانه به حساب آورد. با همین استدلال است که کل هزینه‌های بانک برای افتتاح و مدیریت حساب‌های سپرده که در نهایت منابع آنها در پرداخت تسهیلات استفاده می‌شود، جزو هزینه‌های وام محسوب می‌شوند.¹

4-1-8- هزینه‌های عملیاتی

قسمتی دیگر از هزینه‌های تسهیلات، هزینه‌های عملیاتی لازم برای شکل‌گیری فرآیند جذب سپرده و پرداخت وام است. این هزینه‌ها شامل اجاره و استهلاک ساختمان‌ها، تأسیسات و کالاهای سرمایه‌ای (تجهیزات اداری، حمل و نقل، ذخیره‌سازی اموال و اطلاعات) و در نهایت هزینه‌های نیروهای انسانی به‌کار گرفته شده در خدمت‌رسانی بانک است. در نمودار (8-1) خلاصه این مطالب نشان داده شده است.

نمودار 8-1: کارکردهای بانک



¹ بانک خدمات کارمزدی نیز ارائه می‌کند. هزینه‌های جاری: ارتباطات، آب، برق، حمل و نقل و ...
 خدمات ریسکی برای بانک وجود ندارد. با این تفاوت که در این

در سال‌های اخیر، با رقابتی‌تر شدن بازارهای مالی، قیمت‌گذاری صحیح تسهیلات و اعتبارات و به‌ویژه برآورد درست ریسک وام‌گیرندگان و اختصاص دادن درست هزینه‌های ریسک به وام‌گیرندگان مختلف با توجه به ریسک آنها از اهمیت بسیاری برخوردار شده است. به‌رحال بانک‌ها مجبورند زیان‌های وارد شده از تسهیلات اعطایی بازپرداخت نشده را از منابعی تأمین کنند. در روش‌های قدیمی تمام این‌گونه زیان‌ها در یک فصل مطالبات معوق بانک ثبت می‌گردید و بانک با آنها مانند هزینه‌های عملیاتی برخورد می‌کرد. این روش، ناکارآمدی بسیار دارد و از آن جمله اجحافی است که در حق تسهیلات‌گیرندگان معتبر انجام می‌شود؛ زیرا آنها نیز هزینه عدم بازپرداخت تسهیلات‌گیرندگان پریسک را تحمل می‌کنند. (نرخ سود تسهیلات بیشتر) در جبران این کمبود، امروزه بانک‌ها به قیمت‌گذاری وام‌ها برحسب ریسک¹ روی آورده‌اند؛ به این معنا که بانک‌ها با گروه‌بندی وام‌گیرندگان برحسب اعتبار آنها و ریسک موجود در احتمال عدم بازپرداخت تسهیلاتشان نرخ تسهیلات متفاوتی را از آنها درخواست می‌کنند. به این ترتیب، هرچه اعتبار یک متقاضی تسهیلات بیشتر باشد، نرخ تسهیلات کمتری را پرداخت خواهد کرد و زیان ناشی از عدم بازپرداخت تسهیلات گروه‌های پریسک از سوی خود آن گروه‌ها جبران خواهد شد.

2-8- بررسی میزان سود حاشیه‌ای بانک در سال‌های گذشته

1-2-8- محاسبه هزینه ذخایر نقد و قانونی

بانک‌ها در مقابل دریافت سپرده‌های سرمایه‌گذاری به نسبت مبلغ دریافتی و متناسب با زمان سپرده‌گذاری، به سپرده‌گذاران سود پرداخت می‌کنند. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، سود پرداختی به سپرده‌گذاران شامل تمامی سپرده‌های سرمایه‌گذاری نزد بانک است. لیکن همه سپرده‌ها صرف اعطای تسهیلات نمی‌شوند، بلکه بخشی از سپرده می‌بایست

¹ risk based pricing

در قالب سپرده قانونی نزد بانک مرکزی تودیع شود و بخشی نیز به صورت نقد نزد خود بانک برای انجام خدمات روزمره نگهداری می‌شود.

نرخ کارمزد دریافتی از بانک مرکزی بابت سپرده‌های قانونی ناچیز است و با نرخ سود پرداختی بابت سپرده‌ها قابل مقایسه نیست. ذخایر نقد بانک نیز دارای همین ویژگی هستند. به این ترتیب، بخشی از سپرده‌های سرمایه‌گذاری، صرف اعطای تسهیلات نمی‌شود، درحالی‌که سود آن می‌بایست به سپرده‌گذاران پرداخت شود. این امر موجب می‌شود که در حالتی که نرخ سود سپرده‌ها با نرخ سود تسهیلات یکسان در نظر گرفته شود، سود دریافتی از محل تسهیلات اعطایی پوشش لازم جهت تأمین سود پرداختی بابت سپرده‌ها را فراهم نکند. بنابراین، حاشیه سود بانکی می‌بایست با توجه به نرخ ذخیره قانونی به نوعی تعیین گردد که در مجموع سود پرداختی به سپرده‌گذاران از سود دریافتی از محل تسهیلات به‌علاوه کارمزد بانک مرکزی بیشتر نشود. در این بخش به دلیل آنکه نگارنده به اطلاعات مربوط به میزان ذخایر نقد در صندوق دسترسی ندارد از محاسبه هزینه آن خودداری شده است.

برای آنکه سود دریافتی با سود پرداختی برابری کند (با فرض ناچیز بودن هزینه‌های عملیاتی و ریسک) لازم است رابطه زیر برقرار باشد:

سود پرداختی به سپرده‌گذاران = کارمزد دریافتی از بانک مرکزی بابت ذخیره قانونی + سود دریافتی از محل تسهیلات اعطایی
چنانچه هر یک از اقلام فوق را به شرح زیر نامگذاری کنیم.

D = مبلغ کل سپرده‌ها

L = مبلغ کل تسهیلات

λ = نرخ ذخیره قانونی

i_1 = نرخ سود سپرده‌ها

i_2 = نرخ سود تسهیلات

i_3 = نرخ کارمزد بانک مرکزی بابت ذخیره قانونی

خواهیم داشت:

$$L \cdot i_2 + i_3 \cdot D \cdot \lambda = D \cdot i_1$$

$$\rightarrow D(1 - \lambda)i_2 + i_3 \cdot D \cdot \lambda = D \cdot i_1$$

$$\rightarrow (1 - \lambda)i_2 + \lambda i_3 = i_1$$

با استفاده از رابطه فوق چنانچه نرخ سود سپرده قبلاً برآورد شده باشد، با معین بودن نرخ ذخیره قانونی و نرخ کارمزد بانک مرکزی، در عمل i_2 یعنی نرخ سود تسهیلات قابل محاسبه خواهد بود. با در دست داشتن نرخ سود تسهیلات و نرخ سود سپرده‌ها، حداقل حاشیه سود بانکی یا حداقل spread محاسبه می‌شود. برای مثال چنانچه داشته باشیم:

$$i_1 = 13 \text{ درصد} = \text{نرخ سود سپرده}$$

$$i_3 = 1 \text{ درصد} = \text{نرخ کارمزد بانک مرکزی}$$

$$\lambda = 17 \text{ درصد} = \text{نرخ ذخیره قانون}$$

نرخ تسهیلات بانکی یعنی i_2 برابر خواهد بود با $0/1546$ و در نتیجه:

$$\text{spread} = i_2 - i_1 = 0/1546 - 0/13 = 0/0246$$

لذا حداقل نرخ حاشیه سود بانکی یا حداقل spread معادل $2/46$ درصد برآورد می‌شود. به همین ترتیب حداقل نرخ حاشیه سود به ازای نرخ‌های مختلف سود سپرده به شرح جدول (8-1) خواهد بود.

جدول 8-1: حداقل نرخ حاشیه سود بانکی (spread) به ازای نرخ‌های مختلف سود سپرده (درصد)

| نرخ سود سپرده | حداقل حاشیه سود بانکی spread |
|---------------|------------------------------|
| 8 | 1/43 |
| 10 | 1/84 |
| 12 | 2/25 |
| 13 | 2/46 |
| 14 | 2/66 |
| 16 | 3/07 |
| 17 | 3/27 |

مشاهده می‌شود در صورتی که متوسط نرخ سود سپرده‌ها بین 8 درصد تا 17 درصد در نوسان باشد، حداقل حاشیه سود بانکی در دامنه‌ای بین 1/34 درصد تا 2/86 درصد خواهد بود.

نرخ سود و ترکیب سپرده‌های مدت‌دار سیستم بانکی کشور در سال 1383 به شرح جدول (2-8) بوده است.

جدول 2-8: نرخ سود و ترکیب سپرده‌های مدت‌دار بانک‌های کشور

(درصد)

| شرح | نرخ سود | درصد از کل | میانگین موزون |
|---------------------|---------|------------|---------------|
| سپرده‌های کوتاه‌مدت | 7 | 48 | 3/36 |
| سپرده یک ساله | 13 | 6 | 0/78 |
| سپرده دوساله | 16 | 6 | 0/96 |
| سپرده سه ساله | 16/5 | 2 | 0/32 |
| سپرده پنج ساله | 17 | 38 | 6/46 |
| جمع | - | 100 | 11/88 |

به این ترتیب، میانگین نرخ سود سپرده‌های بانکی معادل 11/88 درصد بوده است. در این صورت حداقل نرخ حاشیه سود بانکی براساس رابطه ذکر شده به‌طور متوسط معادل 2/1 درصد خواهد بود.

لازم به ذکر است که حداقل ذکر شده بدون در نظر گرفتن هزینه‌های جذب و نگهداری سپرده‌ها و سود موردانتظار بانک بابت ایفای نقش خود به عنوان واسطه و جوه محاسبه شده است. بدیهی است، حاشیه سود بانکی باید به نحوی تعیین شود که افزون‌بر حداقل حاشیه سود محاسبه‌شده به شرح فوق، هزینه‌های مربوطه و سود موردانتظار بانک را پوشش دهد.

2-2-8- نرخ سود تسهیلات بانکی پیش از یکسان‌سازی نرخ سود

تا قبل از یکسان‌سازی نرخ سود تسهیلات بانکی (خردادماه 1384)، در کشور ما نرخ سود سپرده‌های بانکی و نیز تسهیلات اعطایی به وسیله شورای پول و اعتبار تعیین و از طریق بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به سیستم بانکی ابلاغ و بر اجرای آن

نظارت می‌شد. نرخ‌های اعلام‌شده در عمل غیرقابل انعطاف بوده و بانک‌ها موظف به مراعات آن بودند.

شورای پول و اعتبار در جهت تحقق هدف‌های کلان اقتصادی نرخ سود تسهیلات بانکی را به نسبتی که حمایت از فعالیت‌های هر یک از بخش‌های مختلف اقتصادی (صنعت و معدن، مسکن و ساختمان، صادرات، بازرگانی و خدمات) تشخیص می‌داد، تعیین می‌کرد. نرخ سود بانکی در سال‌های 1370 الی 1383 به شرح جدول‌های (3-8) و (4-8) به سیستم بانکی کشور ابلاغ و مورد عمل قرار گرفته است.

جدول 3-8: نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار

(درصد)

| سال | کوتاه‌مدت | کوتاه‌مدت ویژه | یک‌ساله | دو‌ساله | سه‌ساله | چهارساله | پنج‌ساله |
|---|-----------|----------------|---------|---------|---------|----------|----------|
| 1370 | 6/5 | - | 9 | 10/5 | 11/5 | - | 14 |
| 1371 | 7/5 | - | 10 | 11/5 | 13 | - | 15 |
| 1372 | 8 | - | 11/5 | 13/5 | 14/5 | - | 16 |
| 1373 | 8 | - | 11/5 | 13/5 | 14/5 | - | 16 |
| 1374 | 8 | - | 14 | 15 | 16 | - | 18/5 |
| 1375 | 8 | - | 14 | 15 | 16 | - | 18/5 |
| 1376 | 8 | 10 | 14 | 15 | 16 | - | 18/5 |
| 1377 | 8 | 10 | 14 | 15 | 16 | - | 18/5 |
| 1378 | 8 | 10 | 14 | 15 | 16 | - | 18/5 |
| 1379 | 8 | 10 | 14 | 15 | 16 | 17 | 18/5 |
| 1380 | 7 | 9 | 13 | 13-17 | 13-17 | 13-17 | 17 |
| 1381 | 7 | 9 | 13 | 13-17 | 13-17 | 13-17 | 17 |
| 1382 | 7 | 9 | 13 | 13-17 | 13-17 | 13-17 | 17 |
| 1383 | 7 | 9 | 13 | 13-17 | 13-17 | 13-17 | 17 |
| متوسط برنامه دوم توسعه (نرخ اسمی) -1378 | 8 | - | 14 | 15 | 16 | - | 18/5 |
| 1374 | | | | | | | |

| | | | | | | | |
|------|------|------|----|------|-----|-----|--|
| 17/3 | 15/4 | 15/2 | 15 | 13/2 | 9/2 | 7/2 | متوسط برنامه سوم توسعه (نرخ اسمی) -1383 1379 |
|------|------|------|----|------|-----|-----|--|

مأخذ: نمایه‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

جدول 4-8: نرخ سود مورد انتظار تسهیلات

(درصد)

| صادرات | بازرگانی، خدمات متفرقه | کشاورزی | ساختمان و مسکن | | صنعت و معادن | سال |
|-------------|---------------------------|---------|----------------|-----------------------------|-----------------|------|
| | | | سایر | صندوق پس انداز بانک مسکن | | |
| 18 و بالاتر | 18 و بالاتر | 6-9 | - | 12-16 | 11-13 | 1370 |
| 18 و بالاتر | 18 و بالاتر | 9 | - | 12-16 | 13 | 1371 |
| 18 | 18-24 | 12-16 | - | 12-16 | 16-18 | 1372 |
| 18 | 18-24 | 12-16 | - | 15 | 16-18 | 1373 |
| 18 | 22-25 | 13-16 | - | 15-16 | 17-19 | 1374 |
| 18 | 22-25 | 13-16 | - | 15-16 | 17-19 | 1375 |
| 18 | 22-25 | 13-16 | -16 15 | 15-16 | 17-19 | 1376 |
| 18 | 22-25 | 13-16 | -19 18 | 15-16 | 17-19 | 1377 |
| 18 | 22-25 | 13-16 | -19 18 | 15-16 | 17-19 | 1378 |
| 18 | 22-25 | 13-16 | -19 18 | 15-16 | 17-19 | 1379 |
| 18 | 23 (حداقل) | 14-15 | -19 17 | 15-16 | 16-18 | 1380 |
| 17 | 22 (حداقل) | 13-14 | -18 16 | 14-15 | 15-17 | 1381 |
| 15 | 21 (حداقل) | 13/5 | 18 | 15 | 16 | 1382 |
| 14 | 21 (حداقل) | 13/5 | 18 | 15 | 15 | 1383 |

| | | | | | | |
|------|--------------|------|------|------|------|--|
| 18 | 23/5 | 14/5 | - | 15/5 | 18 | متوسط پرنله دوم توسعه (نرخ اسمی) 1374-1378 |
| 16/4 | 22/1 (حداقل) | 13/9 | 17/9 | 15/1 | 16/4 | متوسط پرنله سوم توسعه (نرخ اسمی) 1379-1383 |

مأخذ: همان

تعیین نرخ سود تسهیلات براساس بخش‌های مختلف اقتصادی و به‌صورت نرخ قطعی، این امکان را که ریسک عدم بازپرداخت تسهیلات از طریق نوسانات نرخ سود پوشش داده شود تا حدود زیادی از بانک‌ها سلب می‌کند.

غیر از تحقیقاتی که در دانشکده‌های مالی اداری دانشگاه‌های کشور به‌طور عام و در مؤسسه عالی بانکداری ایران به‌طور خاص، درباره ارزیابی ریسک عدم بازپرداخت انواع تسهیلات به‌صورت پراکنده صورت گرفته، سیستم بانکی کشور این موضوع را به‌طور جدی و به‌صورت عملی مورد توجه قرار نداده است. نظر به ساختار اقتصادی کشور که در حال حاضر دوران توسعه اقتصادی را پشت سر می‌گذارد و زیرساخت‌های اقتصادی در حال شکل‌گیری و تکمیل هستند، بخش تولید در بسیاری از زمینه‌ها کماکان از بازده مطلوبی برخوردار نیست و سرمایه‌گذاری در بخش بازرگانی و خدمات از ریسک کمتر و بازدهی بیشتری برخوردار است.

همچنین دوره بازگشت سرمایه در بخش‌های تولیدی به مراتب طولانی‌تر از بخش خدمات و بازرگانی است و این موضوع به ویژه در شرایط عدم ثبات اقتصادی دارای اهمیت است، چرا که سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در بخش‌های زود بازده، تمایل بیشتری نشان می‌دهند.

گاهی به تسهیلات اعطایی سیستم بانکی در سال‌های گذشته نیز گویای آن است که تسهیلات اعطایی در بخش‌های خدمات و بازرگانی به نسبت حجم تسهیلات اعطایی با مطالبات سوخت‌شده کمتری روبه‌رو شده است. به عبارت دیگر نسبت مطالبات سررسید گذشته و معوق نسبت به تسهیلات اعطایی در بخش خدمات و بازرگانی نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی (به جز بخش مسکن که از وضعیت خاص برخوردار است)

کمتر بوده است. به این ترتیب، به‌رغم اینکه اعطای تسهیلات در بخش خدمات و بازرگانی می‌بایست به علت پذیرش ریسک کمتر با سود مورد انتظار کمتری همراه باشد، بیشترین نرخ سود تسهیلات مربوط به این بخش بوده است (22 الی 25 درصد).

سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن و کشاورزی به دلایل عنوان‌شده بالا با ریسک بیشتری روبه‌رو است، آمار مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک‌ها نیز نشان می‌دهد ریسک عدم بازپرداخت تسهیلات اعطایی در این بخش‌ها بیشتر از بخش خدمات و بازرگانی است اما ملاحظه می‌شود، نرخ سود تسهیلات اعطایی مربوط به آنها کمتر تعیین شده است (13 الی 16 درصد).

این تفاوت نرخ سود با توجه به الزامات وضعیت اقتصادی کشور و لزوم پشتیبانی از بخش تولید به عنوان جزیی از برنامه کلان اقتصادی در نظر گرفته شده که به‌عنوان مرحله گذر موفقیت‌آمیز از دوران توسعه توجیه شده است، لیکن اعمال سیاست‌های اقتصادی از طریق محدودیت نوسانات نرخ سود و به تبع آن تناسب نداشتن ریسک با سود مورد انتظار، سیستم بانکی را با مشکلاتی روبه‌رو کرده است.

به نظر می‌رسد تأمین بودجه از محل درآمد عمومی به منظور جبران مابه‌التفاوت مربوط به تفاوت سود مورد انتظار با سود تعیین‌شده راهکار مناسبی در این زمینه باشد. به این ترتیب، پایین بودن نرخ سود تسهیلات در بعضی از بخش‌های اقتصادی نسبت به سود سپرده‌ها که باعث تصمیم‌گیری‌های نادرست فعالان اقتصادی می‌شود از اهمیت خاصی برخوردار است، برای مثال نرخ سود تسهیلات در بخش کشاورزی و نرخ سود سپرده‌های بلندمدت 5 ساله به شرح زیر بوده است:

نرخ سود تسهیلات در بخش کشاورزی : 13/5 درصد

نرخ سود سپرده بلندمدت 5 ساله : 17 درصد

این امر سبب می‌شود، اشخاص تا حداکثر ممکن به دنبال استفاده از تسهیلات بخش کشاورزی باشند و با سپرده‌گذاری آن از 4 درصد مازاد مربوطه بهره‌مند شوند.

در نرخ‌های مصوب شورای پول و اعتبار دامنه تغییرات نرخ سود در یک بخش اقتصادی مختصر و در سال‌های اخیر از 1 درصد تا 3 درصد بوده است. در دیدگاه حاکم بر تعیین دامنه یادشده بر لزوم حمایت از نوع فعالیت مرتبط با تسهیلات اعطایی توجه

شده و مدت استفاده از تسهیلات کماکان در تعیین نرخ سود بی‌اثر مانده و یا اثر معکوس داشته است. نرخ سود در مورد اعطای تسهیلات جهت اجرای طرح‌های تولیدی در بخش‌های صنعت و معدن و کشاورزی که قاعدتاً بلندمدت هستند معادل حداقل نرخ سود در آن بخش منظور شده در حالی که نرخ سود تسهیلات سرمایه در گردش در بخش‌های مذکور که به صورت کوتاه‌مدت است معادل حداکثر نرخ سود در آن بخش مدنظر قرار گرفته است.

تعیین نرخ سود به ترتیب فوق منجر به این شده که نرخ سود تسهیلات کوتاه‌مدت بیشتر از نرخ سود تسهیلات بلندمدت گردد. در حالی که دوره بازپرداخت بیشتر در عمل ریسک بیشتری را در بر دارد و سود مورد انتظار بیشتری می‌طلبد و تسهیلات کوتاه‌مدت با دوره بازپرداخت کمتر می‌بایست با نرخ سود کمتری همراه باشد. همان‌طور که نرخ سود بین بانکی بازارهای پولی دنیا نظیر Libor و Eurobor نیز از چنین قاعده‌ای پیروی می‌کنند.

3-2-8- نرخ سود تسهیلات پس از یکسان‌سازی نرخ سود

یکسان‌سازی نرخ سود تسهیلات بانکی موضوعی است که از حدود 2 الی 3 سال قبل در سیستم بانکی کشور مطرح بوده است. طرحی که در شورای پول و اعتبار و وزارت امور اقتصادی و دارایی در آن زمان تهیه شد دارای سه محور است. محور اول موضوعی است که با مصوبه اخیر شورای پول و اعتبار مبنی بر تعیین نرخ یکسان برای حداقل سود مورد انتظار جهت استفاده از تسهیلات بانکی محقق شده است. محور دوم که در مصوبه مذکور نیز بیان شده، آن است که برای انجام حمایت‌های دولت از برخی بخش‌ها چه بخش‌های اقتصادی مانند کشاورزی یا بخش‌های جغرافیایی مانند مناطق محروم، دولت باید ابزارهای لازم را فراهم سازد. ضمن آنکه نباید در استفاده از منابع و سپرده‌های مردم در سیستم بانکی جهت پشتیبانی از سایر بخش‌ها اشتباه کنیم باید ابزارهای لازم برای حمایت‌هایی که دولت خواهان انجام آن است فراهم شود. این موضوع در قالب پرداخت یارانه‌های لازم توسط دولت پیش‌بینی شده است. چنانچه قرار باشد یکسان‌سازی به شیوه مطلوب انجام

شود دولت و شورای پول و اعتبار می‌بایست به طور مشترک برای فراهم کردن ابزارهای آن اقدام کنند. اگر نرخ سود تسهیلات مذکور بدون توجه به بند دوم آن یعنی تأمین یارانه برای پشتیبانی از برخی بخش‌ها انجام شود به توفیق کامل نخواهد رسید.

حلقه دیگری که پیش شرط توفیق این مصوبه است آن است که تعیین نرخ 16 درصدی برای سود تسهیلات بانکی با این فرض است که تورم موجود در کشور نیز 13 تا 15 درصد باشد تا انتظار داشته باشیم نرخ سود بانکی بیش از نرخ تورم باشد.

در سیستم بانکی کشورمان با توجه به قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها سود واقعی سرمایه‌گذاران را از مشتریان خود دریافت نمی‌کنند. براساس آنچه تاکنون عمل شده است در مواردی که نرخ بازده طرح‌های سرمایه‌گذاری، بیش از نرخ سود تسهیلات بانکی باشد، بانک‌ها این مازاد را به استفاده‌کنندگان از تسهیلات می‌بخشند.

اگرچه نرخ 16 درصدی برای تسهیلات بانکی به‌عنوان حداقل سود مورد انتظار منظور شده است، لیکن با توجه به اینکه طی دو دهه گذشته سیستم بانکی کشور در عمل نرخ‌های ثابت سود بانکی را اعمال نموده و همواره به حداقل نرخ سود مورد انتظار اکتفا کرده و در پروژه‌هایی که بازده آن‌ها بیش از حداقل سود مورد انتظار بوده نیز سود تسهیلات را با نرخ ثابت دریافت کرده، بنابراین انتظار می‌رود در اجرای یکسان‌سازی نرخ سود نیز براساس روال گذشته عمل شود.

در این صورت نرخ سود سپرده‌ها می‌بایست به‌صورت زیر تعیین گردد:

نرخ سود سپرده‌ها = حاشیه سود بانکی - نرخ سود تسهیلات بانکی

حداقل حاشیه سود بانکی بدون در نظر گرفتن هزینه‌های بانک و حداقل سود مورد انتظار معادل 2/08 درصد است.

به این ترتیب، در صورتی که نرخ سود تسهیلات بانکی 16 درصد در نظر گرفته شود با توجه به متوسط نرخ سود سپرده‌ها وضعیت حاشیه سود بانکی (spread) بانک‌های دولتی کشور به شرح زیر خواهد بود:

کل حاشیه سود بانکی $4/12$ درصد = $11/88$ درصد - 16 درصد

با توجه به حداقل حاشیه سود محاسبه شده معادل 2/08 درصد خواهیم داشت:

$2/04$ درصد = $2/08$ درصد - $4/12$ درصد

لذا حاشیه سود مذکور شامل اقلام زیر است:

| | |
|---|-----------|
| حدافل حاشیه سود | 2/08 درصد |
| حاشیه سود باقی مانده جهت پوشش هزینه‌ها و سود بانک | 2/04 درصد |
| کل حاشیه سود | 4/12 درصد |

اینکه آیا 2/04 درصد حاشیه باقی مانده، تکافوی پوشش هزینه‌های بانک جهت جذب و نگهداری سپرده‌ها را می‌نماید یا خیر؟ مقوله‌ای است که می‌تواند موضوع تحقیق میدانی دیگری قرار گیرد، لیکن آنچه هم‌اکنون در محافل مختلف علمی و مجامع دولتی مطرح است آن است که طرفداران کاهش نرخ حاشیه سود بانکی معتقدند نرخ مذکور در کشور ما به مراتب بیش از میزان محاسبه بالا است تا حدی که برخی از آن‌ها نرخ مذکور را در حدود 10 درصد عنوان کرده‌اند. در مقابل مدیران بانک‌های دولتی نرخ حاشیه بیان شده را براساس عملکرد سال‌های گذشته به مراتب کمتر و در حدود 1 درصد می‌دانند.

نکته دارای اهمیت آنجاست که حاشیه سود محاسبه شده به شرح فوق (4/12 درصد) در صورتی قابل تحقق است که متوسط نرخ سود سپرده‌ها از 11/88 درصد تجاوز ننماید. به عبارت دیگر، در صورتی که نرخ سود سپرده‌ها به طور متوسط از 11/88 درصد تجاوز نماید، کل حاشیه سود بانکی از 4/12 درصد تقلیل خواهد یافت.

حال آنکه، سپرده‌گذاران انتظار دارند، سود حاصل شده آنها براساس عوامل تشکیل دهنده نرخ سود مورد انتظار محقق گردد. در صورتی که نرخ تورم معادل 15 درصد در سال و حداقل سود مورد انتظار فقط 1 درصد در سال منظور گردد با فرض آنکه نرخ ریسک معادل صفر در نظر گرفته شود، حداقل نرخ سود مورد انتظار سپرده‌ها معادل 16 درصد در سال خواهد بود.

16 درصد = 1 درصد + 0 + 15 درصد = حداقل نرخ سود مورد انتظار + نرخ ریسک + نرخ تورم = نرخ سود

مورد انتظار

روشن است، تقلیل نرخ سود سپرده به کمتر از نرخ سود مورد انتظار سپرده‌گذاران تقلیل حجم سپرده‌ها را به دنبال خواهد داشت در غیراین صورت نیز با اضافه شدن حاشیه سود بانکی حداقل نرخ سود تسهیلات به شرح زیر خواهد بود:

اگر حداقل حاشیه سود بانکی با فرض آنکه میانگین نرخ سود سپرده 16 درصد در سال باشد. باقی مانده حاشیه سود بانکی بابت پوشش هزینه‌ها و سود 2/86 درصد

براساس وضعیت موجود 2/02 درصد

جمع کل حاشیه سود بانکی 4/86 درصد

میانگین نرخ سود سپرده‌ها 16 درصد

حداقل نرخ سود تسهیلات بانکی 20/86 درصد

به این ترتیب، نرخ 16 درصد تسهیلات از حداقل نرخ سود تسهیلات بانکی که به روش فوق محاسبه شده، 4/86 درصد کمتر است.

اگرچه این امر موجب می‌گردد، صف متقاضیان تسهیلات با توجه به نرخ 16 درصدی تسهیلات طولانی تر شود، لکن باید توجه داشت اگر کسی بتواند اعتبارات 16 درصدی را به راحتی دریافت کند، دیگر مایل به دریافت این تسهیلات از بانک‌های خصوصی با نرخ سود 28 درصدی نخواهد بود و بانک‌های خصوصی نیز ناچار به کاهش نرخ‌های خود خواهند بود. اما اگر این اتفاق نیفتد و بانک‌های دولتی نتوانند کار خود را به خوبی انجام داده و اعتبارات کافی در اختیار مراجعه‌کنندگان نگذارند و متقاضیان ناچار به استفاده از تسهیلات بانکی بخش خصوصی با نرخ سود 28 درصدی شوند، در این شرایط بانک‌های خصوصی قادر خواهند بود تا به سپرده‌گذاران خود سود 22 درصدی پرداخت نمایند و سپرده‌های مردم از بانک‌های دولتی به سمت بانک‌های خصوصی گرایش پیدا می‌کند و علاوه بر اخلال در صورت‌های مالی بانک‌های دولتی، ممکن است مشکلات بسیار زیاد دیگری برای این بانک‌ها ایجاد شود.

اگر تعیین نرخ 16 درصدی برای سود تسهیلات بانکی با همین ساز و کار رایج صورت گیرد همان نرخ ثابت اعمال خواهد شد که به ابعاد آن اشاره شد در غیر این صورت لازم است نرخ سود تسهیلات متناسب با ریسک و براساس ساختار نرخ سود مورد انتظار محاسبه و در معاملات منظور گردد تحقق این امر مستلزم ارزیابی یکایک مشتریان بانک است که هر مورد به تحلیل مالی مفصل و کار کارشناسی جامع نیازمند

است. روشن است انجام این مهم با توجه به ساختار پرسنلی و امکانات و تجهیزات تخصصی بانکها نه میسر و نه مقرون به صرفه است. تحقق این امر مستلزم وجود یک سیستم رتبه‌بندی مشتریان در سیستم بانکی و یا در سطح کشور است. براساس اطلاعات موجود، توسط وزارت اموراقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران قدم‌هایی نیز در جهت تأسیس مؤسسات بالا برداشته شده است، اما نکته مهم اینجاست که تا قبل از تشکیل مؤسسات رتبه‌بندی و رتبه‌بندی شدن مشتریان تکلیف چیست؟ به نظر می‌رسد یکسان‌سازی نرخ سود در این خصوص با دوگانگی روبه‌رو شده است. از یک طرف تعدیل نرخ سود به‌عنوان یک ضرورت احساس و در جهت تحقق آن اقدام شده و از طرف دیگر عدم بسترسازی قبلی و شتاب‌زدگی فعلی، عملیاتی‌شدن این مهم را با مشکل روبه‌رو کرده است.

نگاهی به بازار غیررسمی پول، عدم تناسب نرخ سود تسهیلات بانکها با نرخ سود مورد انتظار بازار را ملموس‌تر می‌سازد. بازار غیررسمی پول و سرمایه ایران به‌رغم گستردگی آن از انسجام خاصی برخوردار نیست و نرخ سود بازار غیررسمی با دامنه تغییرات فاحش همراه است.

با توجه به فرصت‌های مختلف سرمایه‌گذاری به‌ویژه در بخش بازرگانی، عرضه‌کنندگان پول، سود مورد انتظار خود را با فرصت یادشده مقایسه و ضمن ارزیابی ریسک مربوطه با منظور کردن میزان ریسک‌پذیری خود سودهای مورد انتظار متفاوتی را درخواست می‌کنند، لیکن کمترین ریسک در بازار غیررسمی مربوط به نرخ سودی است که بنگاه‌های معاملات املاک و مستغلات برای مبالغ رهن و اجاره مدنظر قرار داده و در معاملات در نظر می‌گیرند. نرخ مذکور در دهه اخیر ماهانه به ازای ده میلیون ریال 250 هزار تا 300 هزار ریال بوده است که معادل نرخ سود مورد انتظار 30 تا 36 درصد در سال می‌گردد. نرخ سود مذکور در همه سال‌ها از بیشترین نرخ سود تسهیلات بانکی (25درصد درسال) نیز حداقل 5 درصد بیشتر بوده است.

به این ترتیب، تسهیلات اعطایی به وسیله سیستم بانکی که با بیشترین سود مورد انتظار همراه بوده از ارزان‌ترین منابع مالی بازار غیررسمی نیز 5 درصد در سال ارزان‌تر بوده است. صف‌های طولانی متقاضیان تسهیلات بانکی به ویژه جهت استفاده از

تسهیلات در بخش‌های صنعت و معدن، کشاورزی و مسکن و ساختمان معلول تفاوت نرخ مذکور است.

3-8- محاسبه هزینه‌های عملیاتی

هزینه‌های عملیاتی، بخش عمده‌ای از هزینه‌های یک بانک را تشکیل می‌دهند. به‌علاوه رقابت فشرده و تنگاتنگ بانک‌ها موجب گردیده حاشیه سود بانکی هر روز تقلیل یابد و تحصیل سود از طریق اعطای تسهیلات مالی از محل سپرده‌های جذب شده دشوارتر گردد. امروزه بانک‌های تجاری تلاش می‌کنند اتکای درآمدهای بانک را به عملیات تأمین مالی کاهش دهند و تا آنجا که ممکن است از محل ارائه خدمات مختلف نظیر ارائه خدمات کارمزدی، انجام دریافت‌ها و پرداخت‌های مختلف نظیر پرداخت حقوق، قبول عاملیت قراردادهای گوناگون، گشایش اعتبارات اسنادی و غیره، درآمد کسب نمایند.

وابستگی روزافزون وضعیت سودآوری بانک‌ها به دریافت کارمزد موجب گردیده، ضرورت شفاف‌کردن هزینه‌های مربوط به ارائه خدمات ملموس‌تر گردد به نحوی که ارائه خدمات بدون آنکه بهای تمام‌شده خدمات مشخص باشد بانک را با ریسک عملیاتی قابل توجه‌ای روبه‌رو می‌سازد.

بانک‌ها همانند واحدهای تولیدی ضروری می‌دانند قیمت تمام‌شده محصولات تولیدی خود را که در قالب ارائه خدمات کارمزدی به مشتریان عرضه می‌شود، به‌طور دقیق محاسبه کنند تا بتوانند در بازار رقابت که هر روز بر فشرده‌گی آن افزوده می‌شود با تکیه بر کیفیت بالاتر و قیمت تمام‌شده کمتر، تداوم فعالیت خود را میسر ساخته وضعیت سودآوری خود را تقویت نمایند.

1-3-8- مروری کوتاه به روش هزینه‌یابی بر اساس فعالیت

با توجه به مطالب گفته شده، باید یک سیستم حسابداری مناسب برای تعیین هزینه‌های تسهیلات پیاده‌سازی کرد. "هزینه‌یابی بر اساس فعالیت" (A.B.C)¹ یک روش

¹ activity based costing

حسابداری است که به مدیران یک سازمان اجازه می‌دهد که هزینه واقعی هر محصول و خدمتی را که تولید می‌کنند فارغ از ساختار و بخش‌های سازمان متبوع خود محاسبه نمایند. مفاهیم این روش در دو دهه گذشته گسترش یافته‌اند و از آن هنگام تاکنون به‌عنوان یک ابزار مدیریتی برای تعیین دقیق هزینه فعالیت‌ها به‌ویژه آن دسته از فعالیت‌هایی که در ارائه خدماتی خاص به مشتریان، به‌طور مستمر تکرار می‌شوند، به‌کار می‌رود. به‌این ترتیب، می‌توان هزینه‌های صحیح خدمات مختلف را بدست آورد و هر یک را از مشتریان آن دریافت نمود.

پیاده‌سازی این روش شامل پنج مرحله است: اول، ارزیابی فعالیت‌ها، دوم، جمع‌آوری هزینه‌ها، سوم، ردیابی هزینه‌ها در فعالیت‌ها، چهارم، پیاده‌سازی سیستم اندازه‌گیری خروجی و پنجم، ارزیابی هزینه‌ها.

انجام این مراحل وظیفه یک هسته کوچک حرفه‌ای است که از سوی مدیریت سازمان تعیین شده‌اند و از آنجا که متغیرها و فاکتورهای هزینه‌ای در طول زمان تغییر می‌کنند، این هسته باید دائماً اطلاعات و ارزیابی‌های خود را به‌روز نمایند. در ادامه به‌طور خلاصه هر یک از این مراحل شرح داده شده است.

1-1-3-8- ارزیابی فعالیت‌ها

پیش از هر چیز باید قلمرو فعالیت‌ها تعیین شود. تعیین درست فعالیت‌ها مهمترین چالش در پیاده‌سازی این روش است. در این مرحله باید فرآیند تولید کالا یا خدمت به فعالیت‌هایی مجزا و بدون هم‌پوشانی تجزیه گردد. عمق و دقت ارزیابی‌های این روش، در فرآیند تجزیه آنها مشخص خواهد شد. سپس باید هر فعالیت را به یک کالا یا خدمت تولیدی اختصاص داد. همواره برخی از فعالیت‌ها میان چند کالا یا خدمت تولیدی مشترک هستند.

در هنگام مشخص‌سازی فعالیت‌ها باید سه ویژگی در مورد آن تعیین شود. اول آنکه، آیا یک فعالیت ارزش افزوده دارد؛ دوم آنکه فعالیت موردنظر اولیه است یا ثانویه است؛ و سوم آنکه آیا فعالیت موردنظر فعالیتی الزامی است یا می‌تواند متوقف گردد، بدون آنکه در تولید کالا یا خدمت موردنظر مشکلی پیش آید؛ فعالیتی را دارای ارزش افزوده گویند

که نتیجه آن به طور مستقیم به صورت کالا یا خدمت در اختیار مشتری قرار می‌گیرد، در مقابل این نوع فعالیت‌ها، فعالیت‌های مدیریتی یا لجستیک قرار دارند. یکی از اهداف اصلی برنامه‌ریزی کاهش و ادغام فعالیت‌های بدون ارزش افزوده است. فعالیت‌های اولیه به صورت مستقیم در جهت اهداف سازمان هستند و فعالیت‌های ثانویه در جهت کمک به فعالیت‌های اولیه هستند.

2-1-3-8- جمع‌آوری هزینه‌ها

پس از مشخص شدن تمام فعالیت‌ها و تخصیص آن‌ها به کالاها و خدمات تولیدی، تمام هزینه‌های فرآیند تولید، جداگانه، گردآوری می‌شود. این هزینه‌ها می‌توانند از جنس دستمزد، هزینه تحقیقات، ماشین آلات، لوازم اداری و غیره باشند.

3-1-3-8- ردیابی هزینه‌ها در فعالیت‌ها

در این مرحله نتایج دو مرحله قبل درهم تلفیق می‌شوند، به این ترتیب که هر هزینه‌ای به یک فعالیت تخصیص می‌یابد. به این ترتیب تمام هزینه‌های هر فعالیت بدست می‌آید. در این مرحله هزینه‌ها اندازه‌گیری نمی‌شوند و فقط ارتباط هر هزینه با فعالیت‌ها بدست می‌آید.

4-1-3-8- پیاده‌سازی سیستم اندازه‌گیری خروجی

در این مرحله هزینه حقیقی هر واحد از یک فعالیت بدست می‌آید اگر یک فعالیت در تولید چند خروجی (کالا یا خدمات) مؤثر باشد، فقط یک خروجی به عنوان خروجی اصلی تعیین می‌شود. خروجی اصلی اختصاص داده شده به یک فعالیت، باید قابل اندازه‌گیری باشد یعنی تعداد یا اندازه آن مشخص باشد. پس از تعیین خروجی اصلی یک فعالیت و تعیین تعداد یا مقدار فعالیت مورد نظر لازم برای هر واحد خروجی تولید شده، هزینه متوسط هر واحد فعالیت بدست می‌آید. هزینه هر واحد از یک فعالیت برابر با حاصل تقسیم مجموع هزینه‌های مرتبط با یک فعالیت (اعم از هزینه‌های فعالیت‌های

ثانویه آن فعالیت موردنظر) به تعداد یا اندازه آن فعالیت است. در پایان این مرحله یک صورت حساب از فعالیت‌های محاسبه شده ساخته می‌شود که در آن فهرست فعالیت‌ها و مقدار هر یک از آن‌ها و هزینه هر واحد از آن فعالیت‌ها مشخص شده است.

5-1-3-8- ارزیابی هزینه‌ها

در مرحله نهایی، با توجه صورت حساب‌های تهیه شده، هزینه هر کالا یا خدمت تولیدی به دست می‌آید. به علاوه از روی صورت حساب‌های موجود می‌توان به تحلیل این مسئله پرداخت که کدام فعالیت‌ها غیرضروری هستند و یا دارای هزینه‌های غیرضروری هستند که می‌توان آن‌ها را کاهش داد. این فرآیند به مدیران اجازه می‌دهد که فعالیت‌های بدون ارزش افزوده را بیابند و ارقام غیرضروری آن را حذف کنند.

"هزینه‌یابی براساس فعالیت" بهترین روش در مدیریت هزینه‌ها و تعیین هزینه تمام‌شده خدمات در بانک است. با وجود تعداد بسیار زیاد عوامل هزینه در صنعت بانکداری، این عوامل به راحتی قابل تشخیص و طبقه‌بندی هستند. به عنوان مثال، هزینه بسیاری از حساب‌های دیداری شامل متوسط فعالیت و استفاده ماهانه است، و چنانچه از منابع موجود در این حساب‌ها برای پرداخت وام استفاده شود خود این حساب‌ها فعالیت‌هایی به شمار می‌آیند که جزیی از فرآیند تولید وام هستند.

شناساندن و اجرای چنین سیستمی، سبب تغییر نگرش سیاست‌گذاران و مدیران بانک‌های کشور به مقوله هزینه و قیمت‌گذاری وام‌ها و تسهیلات می‌شود و با بهبود فرآیند عملکرد بانک‌ها، کاهش و بهینه‌سازی هزینه‌ها و تصحیح قیمت خدمات، موجب سوددهی بانک‌ها و حتی کاهش قیمت برخی از خدمات آن خواهد شد. این یک سیاست برنده برنده است.

مشتریان از کیفیت بهتر خدمات و در برخی از ارقام کاهش هزینه خدمات سود خواهند برد و بانک‌ها هم از کاهش هزینه‌های غیرضروری و افزایش کارایی فعالیت‌های خود منتفع خواهند شد. اما یک هدف کلی نیز که مورد نظر مقاله حاضر است برآورده خواهد شد و آن تعیین درست هزینه تسهیلات و خدمات اعطایی بانک‌ها است.

2-3-8- محاسبه هزینه‌های عملیاتی برای بانکها

با توجه به ترکیب هزینه‌های عملیاتی بانکها عوامل مؤثر بر بهای تمام شده خدمات به شرح زیر قابل تصور است:

- 1- سهم خدمات بانکی از هزینه‌های پرسنلی.
 - 2- سهم خدمات بانکی از هزینه‌های اداری.
 - 3- سهم خدمات بانکی از هزینه‌های استهلاک دارایی‌های ثابت.
- آنچه محاسبه بهای تمام شده خدمات بانکی را مشکل می‌سازد، تسهیم دقیق هزینه‌های مذکور و تعیین سهم قابل قبول خدمات بانکی از هزینه‌های یادشده است. تسهیم مذکور مستلزم انجام تحقیق میدانی گسترده و طولانی است. لکن برآورد سهم خدمات بانکی از هزینه‌های بانکی، با رعایت احتیاط و محافظه‌کاری لازم به نحوی که اطمینان معقول حاصل گردد که هزینه‌های تسهیم شده بیش از هزینه‌های واقعی نیست می‌تواند مبنای مناسبی جهت برآورد بهای تمام شده خدمات تلقی گردد با این تفاوت که بهای تمام شده مذکور حداقل بهای قابل برآورد بوده و قابلیت مقایسه با کارمزد فعلی را که به مراتب کمتر از بهای تمام شده واقعی است را خواهد داشت.

1-2-3-8- هزینه‌های پرسنلی

هزینه‌های پرسنلی در اغلب مؤسسات به ویژه واحدهای تولیدی از نوع هزینه‌های نیمه متغیر به شمار می‌آید، بخشی از هزینه‌های پرسنلی نظیر حقوق بدون در نظر گرفتن میزان کارایی مستخدم ماهانه و به صورت ثابت پرداخت می‌شود و با تغییر حجم محصولات تولیدی اعم از کالا و یا خدمات مجموع هزینه حقوق تغییر نمی‌کند. لذا، می‌تواند به عنوان هزینه‌های ثابت تلقی گردد. برخی دیگر از اقلام هزینه‌های پرسنلی نظیر فوق العاده اضافه کار به ازای یک واحد محصول ثابت است و مجموع آن متناسب با تغییر حجم محصولات تغییر می‌کند و به عنوان هزینه‌های متغیر تلقی می‌گردد.

این موضوع در مؤسسات مالی همانند بانکها تا حدود زیادی متفاوت است. در بانکها مجموع حقوق و مزایای پرداختی به کارکنان شکل به نسبت ثابتی به خود گرفته است. اقلامی مانند فوق العاده اضافه کار، پاداش، عیدی و مشابه آن نیز به مرور

زمان تابع قاعده‌ای ثابت و مستمر بوده و تغییرات آن در سال‌های مختلف قابل توجه نیست. به‌همین دلیل هزینه‌های کارکنان را در بانک می‌توان به عنوان هزینه ثابت تلقی کرد. بخشی از هزینه‌های پرسنلی نظیر حقوق و مزایای پرداختی به متصدیان امور بانکی می‌تواند هزینه‌های مستقیم خدمات بانکی تلقی گردد در حالی که هزینه‌های پرسنلی بخش‌های ستادی هزینه‌های غیرمستقیم هستند و می‌بایست به مراکز هزینه دیگری تخصیص یابند، لیکن از آنجا که انجام خدمات کارمزدی مستلزم درگیر شدن بخش‌های مختلف بانک بوده و یک دایره یا شعبه به تنهایی قادر به فراهم نمودن امکانات لازم برای انجام خدمات نیست لذا تسهیم هزینه‌های ستادی به شعب و تخصیص بخش معقولی از هزینه‌های مذکور به خدمات بانکی منطقی است. اقلام مختلف هزینه‌های پرسنلی با توجه به موارد فوق قابل تسهیم به خدمات بانکی موردنظر است.

برآورد متوسط هزینه حقوق و مزایای کارکنان بانک به دو طریق زیر قابل تصور است:

الف- برآورد براساس عملکرد سال گذشته بانک:

آخرین صورت مالی حسابرسی شده یکی از بانک‌ها (بانک ملی ایران) تا تاریخ نگارش مقاله، صورت‌های مالی سال 1382 بانک است. براساس پیوست 46 صورت‌های مالی سال 1382 بانک هزینه‌های پرسنلی شعب داخلی بانک به شرح جدول (5-8) بوده است.

جدول 5-8: هزینه‌های پرسنلی بانک ملی ایران

(میلیون ریال-درصد)

| سهم | مبلغ | شرح |
|------|-----------|-------------------------------|
| 20/5 | 724/239 | حقوق و دستمزد |
| 24/1 | 854/922 | فوق‌العاده‌ها |
| 12/6 | 445/223 | خواروبار و بهداشت |
| 12/5 | 442/638 | بازنشستگی و پس‌انداز سهم بانک |
| 24/7 | 875/330 | عیدی و پاداش |
| 5/6 | 198/838 | سایر هزینه‌ها |
| 100 | 3/541/190 | جمع |

کل کارکنان شعب داخلی بانک در سال 1382 در حدود 42 هزار نفر بوده است. به این ترتیب، هزینه پرسنلی بانک به ازای هر نفر ساعت به شرح جدول (6-8) قابل محاسبه است:

$$\text{حقوق و مزایای یک نفر سال} = 84.314.048 = 42.000 \div$$

$$3.541.190.000.000$$

$$\text{حقوق و مزایای یک نفر ماه} = 7.026.171 = 12 \div$$

$$84.314.048$$

با توجه به اینکه تعداد ساعات کاری یک ماه به طور متوسط معادل 150 ساعت منظور می شود:

$$\text{حقوق و مزایای یک نفر ساعت (1382)} = 46.841 = 150 \div$$

$$7.026.171$$

با توجه به تغییر ضریب حقوق کارکنان بانک در سال 1383 از 350 به 380 خواهیم داشت:

$$\text{حقوق و مزایای یک نفر ساعت در سال 1383} = 50.856 = 46.841 \times \frac{380}{350}$$

ب- برآورد براساس آیین نامه نظام پرداخت سیستم بانکی:

براساس آیین نامه نظام پرداخت سیستم بانکی کشور، حقوق و مزایای پرسنل بانک بر مبنای امتیازات در نظر گرفته شده تحت عنوان های "شاغل" و "شغل" تعیین می شود. دامنه تغییرات امتیازات متعلق به پرسنل بانک به شرح زیر است.

جدول 6-8: دامنه تغییرات امتیازات متعلق به پرسنل بانک ملی ایران

| حد اکثر | حداقل | شرح |
|---------|-------|-------------|
| 4000 | 1200 | امتیاز شغل |
| 5800 | 1300 | امتیاز شاغل |
| 9800 | 2500 | جمع |

میانگین جمع امتیازات پرسنلی چنانچه بر پایه اعداد فوق (حداقل و حداکثر) محاسبه گردد عدد 6150 حاصل می‌شود. پراکندگی کارکنان بانک براساس امتیازات متعلقه به‌نحوی نیست که بتوان میانگین موزون امتیاز پرسنل را معادل میانگین 2 عدد فوق قرار داد. با توجه به اینکه امتیاز متعلقه به بیشترین تعداد از پرسنل بانک بین 4000 تا 7000 در نوسان است، لذا اگر میانگین موردنظر در حدود 5000 امتیاز در نظر گرفته شود. برآوردی محافظه‌کارانه را از هزینه‌های پرسنلی بدست می‌دهد. به این ترتیب، محاسبه هزینه پرسنلی بانک به ازای هر نفر ساعت به شرح زیر قابل محاسبه است:

براساس ضریب حقوق سال 1383 معادل 380 خواهیم داشت:
 متوسط حقوق ماهانه $5000 \times 380 = 1,900,000$
 براساس اقلام استخراج‌شده از صورت‌های مالی سال 1382 بانک، نسبت اقلام مختلف هزینه‌های پرسنلی بانک در جدول (7-8) درج شده است.

جدول 7-8: نسبت اقلام مختلف هزینه‌های پرسنلی بانک ملی ایران (درصد)

| شرح | سهم |
|-------------------------------|------|
| حقوق و دستمزد | 20/5 |
| فوق‌العاده‌ها | 24/1 |
| خوروبار و بهداشت | 12/6 |
| بازنشستگی و پس‌انداز سهم بانک | 12/5 |
| عیدی و پاداش | 24/7 |
| سایر هزینه‌ها | 5/6 |
| جمع | 100 |

با فرض تداوم نسبت‌های فوق در سال 1383 برآورد هزینه‌های پرسنلی بانک به ازای هر نفر ساعت به‌شرح زیر قابل تصور است:
 ارقام به ریال

حقوق ماهانه (نفر-ماه) $1,900,000$

جمع هزینه پرسنلی (نفر-ماه) $9,268,292 = 20.5 \div$
 $(1,900,000 \times 100)$

نظر به اینکه هر ماه بطور متوسط معادل 150 ساعت کاری در نظر گرفته می‌شود
 لذا:

هزینه پرسنلی (نفر-ساعت) $61,789 = 150 \div$
 $9,268,292$

ملاحظه می‌شود، هزینه پرسنلی محاسبه شده براساس دو روش الف و ب و میانگین
 دو روش به ترتیب عبارتند از:

روش الف - هزینه پرسنلی بانک به مأخذ یک نفر-ساعت $61,789$
 ریال

روش ب - هزینه پرسنلی بانک به مأخذ یک نفر-ساعت $50,56$
 ریال

میانگین روش الف و ب $56,323$
 ریال

نظر به اینکه محاسبه هزینه پرسنلی براساس روش‌های فوق به صورت تقریبی برآورد
 شده است لذا به منظور رعایت احتیاط و محافظه‌کاری هزینه پرسنلی بانک به مأخذ یک
 نفر-ساعت 50 هزار ریال در نظر گرفته می‌شود.

- هزینه‌های اداری

هزینه‌های اداری نیز از وضعیت مشابه با هزینه‌های پرسنلی برخوردار است و مبنای
 به‌کارگرفته در مورد هزینه‌های پرسنلی در مورد هزینه‌های اداری نیز صدق می‌کند.

ترکیب هزینه کل شعب داخلی بانک در سال 1382 در جدول (8-8) درج شده است:

جدول 8-8: ترکیب هزینه کل شعب داخلی بانک ملی در سال 1382

(میلیون ریال)

| ردیف | شرح | مبلغ |
|------|----------------------------|-----------|
| 1 | هزینه پرسنلی | 3.541.190 |
| 2 | هزینه اداری | 758.615 |
| 3 | هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول | 974.018 |
| 4 | هزینه ذخیره کاهش ارزش سهام | 456.616 |
| 5 | هزینه استهلاك | 384.269 |
| | جمع | 6.114.708 |

اقدام هزینه مندرج در ردیف‌های 3 و 4 هزینه‌های مربوط به کاهش ارزش دارایی‌های مالی هستند که ارتباط معنی‌داری با بهای تمام‌شده خدمات بانکی ندارند لکن اقلام ردیف 1، 2 و 5 اقلام مرتبط با بهای تمام‌شده خدمات هستند.

با فرض تداوم نسبت‌های فوق، نسبت هزینه‌های اداری به هزینه پرسنلی به‌شرح زیر خواهد بود:

نسبت هزینه‌های اداری به هزینه‌های پرسنلی

$$\text{درصد } 21/4 = \left(\frac{758615}{3541190} \right) \times 100$$

به این ترتیب، هزینه‌های اداری بانک به مأخذ یک نفر ساعت عبارت است از:

هزینه اداری بانک به مأخذ یک نفر ساعت ریال $10/700 = 21/4$ درصد ×

50000

- هزینه‌های استهلاك

هزینه‌های استهلاك دارایی‌های ثابت در بانک به روش مستقیم و بدون در نظر گرفتن ارزش قراضه محاسبه و در حساب‌ها منظور می‌شود. به این ترتیب، هزینه‌های استهلاك جزء هزینه‌های ثابت بوده و با توجه به نحوه محاسبه آن که به‌صورت تابعی از زمان در نظر گرفته می‌شود تسهیم هزینه‌های استهلاك براساس ساعات کاری معقول و منطقی خواهد بود.

هزینه استهلاك بانک در سال 1382 در جدول (8-9) درج شده است.

جدول 9-8: هزینه استهلاک بانک ملی ایران در سال 1382

(میلیون ریال)

| ردیف | شرح | مبلغ |
|------|--------------------------------|--------|
| 1 | هزینه استهلاک ساختمان | 50542 |
| 2 | هزینه استهلاک تأسیسات | 196510 |
| 3 | هزینه استهلاک وسائط نقلیه | 28402 |
| 4 | هزینه استهلاک ماشین آلات | 85283 |
| 5 | هزینه استهلاک ابزارآلات | 4243 |
| 6 | هزینه استهلاک سایر اموال | 7499 |
| 7 | هزینه استهلاک اثاثیه و تجهیزات | 16425 |
| | جمع | 388904 |

با فرض آنکه هزینه استهلاک بانک در سال 1383 نسبت به سال قبل بدون تغییر باقی بماند (نگاه محافظه کارانه)، برآورد هزینه استهلاک بانک به مأخذ یک نفر ساعت به شرح زیر قابل تصور است:

$$\text{نسبت هزینه استهلاک به هزینه های پرسنلی} = \frac{384269}{3541190} \times 100 = 10.9 \text{ (درصد)}$$

هزینه استهلاک به مأخذ یک نفر ساعت = ریال 5450 = 10.9 درصد × 50.000

- برآورد بهای تمام شده پردازش یک فقره سند متوسط سرانه اسناد بانک در حدود 75 سند است¹ به عبارت دیگر، روزانه به طور متوسط به ازای هر یک نفر از پرسنل بانک 75 سند پردازش می گردد. نظر به این که وصول وجوه دولتی نظیر آب، برق، تلفن و ... نسبت به پردازش سایر اسناد بانک، ممکن است وقت کمتری نیاز داشته باشد لذا به منظور رعایت احتیاط، متوسط سرانه اسناد برای وصول وجوه دولتی با 60 درصد افزایش نسبت به سایر اسناد 120 سند در روز در نظر گرفته می شود. باتوجه به اینکه با لحاظ کردن جمعه ها و روزهای تعطیل تعداد روزهای

¹ اطلاعات مأخوذه از بانک ملی ایران - اداره سازمان و روش ها

کاری یک ماه معادل 25 روز و تعداد ساعات کار در یک ماه 150 ساعت منظور می شود به این ترتیب، تعداد نفر ساعات لازم برای پردازش 120 سند به شرح زیر خواهد بود:

$$\text{نفر ساعت} = 6 = 150 \div 25$$

با توجه به نتایج محاسبات انجام شده به شرح فوق هزینه پردازش 120 سند و به ازای 6 نفر ساعت به شرح زیر قابل محاسبه است:

| | |
|---------------------------|---------------|
| ریال $300.000 \times 6 =$ | هزینه پرسنلی |
| 50.000 | |
| ریال $64.200 \times 6 =$ | هزینه اداری |
| 10.700 | |
| ریال $32.700 \times 6 =$ | هزینه استهلاک |
| ریال 396.600 | جمع |

لذا هزینه پردازش یک فقره سند برابر خواهد بود با:

$$\text{ریال} \quad 3307 = 396.900 \div 120$$

باتوجه به اینکه بابت وصول هر فقره از وجوه دولتی تنها 20 ریال کارمزد دریافت می شود، در عمل کارمزد دریافتی در مقایسه با بهای تمام شده خدمات مربوطه ناچیز است.

4-8- بررسی خسارت تأخیر تأدیه در سیستم بانکی ایران

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در صورتی که مشتریان در سررسید تسهیلات اقدام به بازپرداخت وام نمی نمودند، به موجب مواد 712 الی 723 آیین دادرسی مدنی، مشمول 12 درصد خسارت تأخیر تأدیه می شدند که این خسارت به کل بدهی (اصل و بهره) تعلق می گرفت.

پس از پیروزی انقلاب، شورای عالی بانکها تصمیم به کاهش سود و حذف خسارت تأخیر تأدیه برای تسهیلات پرداختی در قبل از انقلاب گرفت، این امر سبب شد تا عده

کثیری از افراد فرصت‌طلب از بازپرداخت بدهی خود امتناع ورزند و مطالبات بانک‌ها وصول نشده باقی بماند.

از این رو رئیس کل وقت بانک مرکزی با توجه به اصل 4 قانون اساسی و با توجه به مواد 228 و 221 قانون مدنی، نظر شورای نگهبان را درباره درخواست خسارت تأخیر تأدیه به صورت یک بند از قرارداد منعقد فی‌مابین بانک و مشتریان استفسار نمود¹ که در ادامه آن شورای نگهبان اخذ خسارت تأخیر تأدیه به صورت شرط ضمن عقد را تأیید نمود. این امر مشکلات قراردادهای جدید (از سال 1362 به بعد) را حل کرد، ولی مشکل قراردادهای قبلی (قراردادهای منعقد تا پایان سال 1361) همچنان باقی بود. برای حل این موضوع نیز سرانجام در سال 1368 مجمع تشخیص مصلحت نظام با تصویب قانون نحوه وصول مطالبات بانک‌ها در دو ماده و یک تبصره مشکلات شبکه بانکی را در مورد وصول این‌گونه وام‌ها و خسارت دیرکرد آنها را مرتفع گردانید. به موجب ماده یک این قانون؛

"کلیه وجوه تسهیلات مالی که بانک‌ها تا تاریخ اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا پرداخت نموده‌اند، اعم از اینکه قراردادی در این خصوص تنظیم شده یا نشده باشد و مقرر بوده که بدهکار در سررسید معینه تسهیلات مالی و وجوه دریافتی را اعم از اصل و سود مسترد دارد، براساس مقررات و شرایط زمان اعطای این وجوه و تسهیلات، قابل مطالبه و وصول است."

1-4-8- تعریف خسارت تأخیر تأدیه

خسارت تأخیر تأدیه، عبارت است از خسارتی که بر اثر تأخیر در پرداخت و تأدیه حاصل می‌شود. براساس ماده 725 قانون آیین دادرسی مدنی، خسارت تأخیر تأدیه نیاز به اثبات ندارد و فقط تأخیر در پرداخت برای مطالبه و حکم کافی است.

2-4-8- دیدگاه‌های مختلف در رابطه با خسارت تأخیر تأدیه

حضرت آیت‌ا... مکارم شیرازی در این رابطه می‌فرماید؛

¹ رئیس کل بانک مرکزی - نامه شماره 0/40952 مورخ 1361/11/18 به شورای نگهبان.

"ما درک می‌کنیم که الان در یک دوراهی قرار داریم، که اگر هر کدام را انتخاب کنیم با یک مشکل روبه‌رو می‌شویم. از یک سو اگر بخواهیم بگوییم هیچ‌گونه جریمه‌ای نیست این باعث می‌شود تا افراد تأخیر بیندازند. بدهکاران اعتنایی به پرداخت بدهی خود نکنند. وقتی بانکی سرمایه‌های خود را در اختیار بدهکارانی که به پرداخت بدهی خود بی‌تفاوت هستند بگذارد شیرازه آن بانک از هم خواهد پاشید. از سوی دیگر این را هم درک می‌کنیم که کسی اگر به هر دلیلی یک ساعت یا یک‌روز در پرداخت بدهی خود تأخیر انداخت اگر به خاطر همین یک روز سودی مطابق نظام بانکی از او بگیریم این هم با موازین فقهی ما مشکل‌ساز است."¹

در حال حاضر سه دیدگاه در ارتباط با اخذ تأخیر تأدیه وجود دارد:

3-4-8- موافقان مطالبه خسارت تأخیر تأدیه:

از موافقان این موضوع می‌توان به حضرت آیت ا... موسوی بجنوردی و همچنین دکتر کاتوزیان اشاره نمود. این گروه از فقها و حقوق‌دانان معتقدند اگر در موعد مقرر متعهد اقدام به پرداخت دین خود ننماید، می‌بایست مشمول پرداخت خسارت تأخیر تأدیه گردد و این خسارت ربا نیست، بلکه ضرری است که متعهد به علت عدم ایفای به‌موقع دین خود به متعهدله وارد ساخته و موجب کاهش و از بین رفتن قسمتی از قدرت خرید متعهدله شده و بایستی معادل این کاهش از قدرت خرید به‌عنوان خسارت به وی پرداخت نماید تا ذمه متعهد بری گردد.

این گروه جهت اثبات نظریه خود به قواعد فقهی "اتلاف و لاضرر" استناد می‌جویند و معتقدند که قصد و غرض متعهدله از اول دریافت سود نبوده و این اضافه دریافتی درمقابل از بین رفتن قسمتی از قدرت خرید متعهدله است. مزایای قبول این نظریه این است که اولاً التزام مدیون را به ادای دین خود در موعد مقرر موجب می‌گردد، ثانیاً قبول این نظریه باعث تمایل افراد به قرض دادن می‌گردد زیرا هنگامی که صاحب

¹ از بیانات حضرت آیت ا... مکارم شیرازی در دیدار با مسئولان بانک ملی و بانک سپه مورخ 1383/10/8.

سرمایه یقین داشته باشد که ارزش سرمایه‌اش حفظ می‌گردد به راحتی و با فراغ خاطر سرمایه خود را در اختیار نیازمندان قرار می‌دهد.

4-4-8- مخالفان مطلق اخذ خسارت تأخیر تأدیه

گروه دیگری از فقها به طور مطلق مخالف پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از سوی مدیون بوده و هرگونه پرداختی بیش از مبلغ تعهد را به هر عنوان ربا دانسته و حرام می‌شمارند. این گروه به قاعده "عدم نفع لیس بضرر" تمسک جسته و معتقدند که چنانچه در موعد مقرر مدیون اقدام به ایفای تعهد خود ننماید ضرری به متعهدله وارد نشده است. زیرا عدم‌النفع را ضرر نمی‌دانند.

4-4-5- موافقان مشروط اخذ خسارت تأخیر تأدیه

این گروه از فقها معتقد به قبول مشروط اخذ خسارت تأخیر تأدیه هستند. آن‌ها در نظرات خود عنوان دارند که چنانچه خسارت تأخیر تأدیه به عنوان شرط ضمن عقد در قرارداد فی‌ما بین متعهد و متعهدله درج گردد و بر این اساس چنانچه متعهد در موعد مقرر نسبت به پرداخت دیون خود اقدام ننماید، وجهی به‌عنوان خسارت بر ذمه وی تعلق خواهد گرفت.

این گروه از فقها جهت اثبات نظریه خود به قاعده فقهی "المؤمنون عند شروطهم"، استناد می‌کنند. آنها معتقدند که این جریمه، خسارت تأخیر تأدیه است و ربا نیست، بلکه خسارتی است که متخلف به علت تخلف از شرط ضمن عقد می‌بایستی پرداخت نماید. قبول این نظریه تعادلی را بین دو نظریه قبلی به وجود آورده است، زیرا از یک سو مزایای نظریه اول یعنی جبران خسارت متعهدله را در بردارد و از سوی دیگر، از تعرضات و اعتراضات نظریه دوم مصون است، زیرا بدهکار براساس حدیث "أوفوا بالعقود" می‌بایستی به عهد خود وفا نموده و در موعد مقرر دین خود را ادا کند تا دچار پرداخت خسارت نگردد. فقهای محترم شورای نگهبان و حضرت آیت‌ا... رضوانی از طرفداران این نظریه هستند.

حضرت آیت‌ا... مکارم شیرازی در این باره می‌فرمایند :

"باید این مسئله را جدای از قرارداد به فرد بگویید و تفهیم کنید. موقع گرفتن امضاء، او باید بفهمد و قبول کند که طبق این عقد هر روز که در پرداخت بدهی تأخیر انداخت این مبلغ را باید بدهد." در این رابطه حضرت آیت... موسوی اردبیلی نیز عنوان می‌کند:

"در مورد خسارت تأخیر تأدیه بانک شرط ضمن عقد می‌کند و شرط ابتدایی می‌کند که من شرط ابتدایی را شرعاً حجت می‌دانم که اگر شما در سر وقت پول را ندادید این قدر جریمه باید بدهید. منتها نحوه طرح آن در قراردادها که اگر ندارید این قدر ماهانه بدهید، موجب اشتباه بعضی‌ها خواهد شد. البته بنده هر دو را صحیح می‌دانم، چراکه ممکن است یک موقع ماهانه باشد بگویند، اگر یک ماه تأخیر شد، به این شکل، دو ماه تأخیر شد، این مقدار و ... حال اگر درصد هم معین گردد، در این حالت نیز به دلیل اینکه مدیون‌ها با هم فرق می‌کنند، یکی یک میلیون است و دیگری زیادتر و کمتر، لذا در این حالت نیز صحیح است."

البته باید در متن آورده شود که این مبلغ جریمه است و برای تأخیر نیست، موضوعی که باعث شبهه شده است. باید بگویید، اگر ندادید فلان مقدار از باب جریمه بدهید.

تنها تفاوت نظریه اول با این نظریه این است که فقها در نظریه اول ذکر خسارت تأخیر تأدیه را در ضمن عقد ضروری ندانسته ولی معتقدان به نظریه سوم ذکر این عبارت را شرط اخذ و مطالبه این خسارت می‌دانند.

با توجه به نقطه نظرهای موافقان و مخالفان اخذ خسارت تأخیر تأدیه می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که همه فقها در جبران خسارت وارد به متضرر به استناد قاعده فقهی "لاضرر" متفق هستند ولی مخالفان اخذ خسارت عنوان می‌کنند که این خسارت از مصادیق ضرر نیست، بلکه آن را عدم‌النفع می‌دانند، و با توجه به اینکه عدم‌النفع لیس بالضرر، خسارت تأخیر تأدیه را ضرر ندانسته و در نتیجه قائل به جبران آن نیستند. در مقابل گروهی از موافقان اخذ خسارت به ارزش اعتباری اسکناس که ماهیت آن

عبارت است از قدرت خرید و توان رفع احتیاجات، استناد می‌کنند و معتقدند که چنانچه بدهی به‌میزان مثلاً یک میلیون تومان نتواند برابر قدرت خرید واقعی در هنگام قرض باشد، در واقع ذمه متعهد بری نشده و او به تعهد خود عمل نموده است. گروه دیگر ابراز می‌کنند که ماهیت خسارت تأخیر تأدیه مورد مطالبه بانک‌ها کاملاً با موارد فوق متفاوت است و براین نظر متفقند که این خسارت ربا نیست، در واقع علت وجودی این خسارت ضرر ناشی از عهدشکنی متعهد و بدهکار است که می‌بایست مطابق قواعد ضمان قهری، ضرری را که متعهد سبب ایجاد شده جبران نماید. این خسارت عوض اضافی در برابر دین نیست، بلکه التزامی است جداگانه و راه‌حلی است که بدون تنافی با قواعد فقهی، با اصول کلی حقوقی نیز سازگار است و مشروعیت خود را نیز از قاعده فقهی "المومنون عند شروطهم" می‌گیرد و موجب التزام متعهد و مدیون به ایفای تعهدات خود در موعد مقرر می‌گردد.

6-4-8- تفاوت خسارت تأخیر تأدیه و ربا

عده‌ای از کارشناسان به استناد روایتی از حضرت امام صادق (ع) که فرموده‌اند: (کل قرض یجر المنفعه فهو حرام) عنوان می‌دارند، خسارت تأخیر تأدیه در واقع نفع در قرض است و لذا ربا و حرام است.

در برابر این نظریه می‌بایست عنوان گردد، در ربا، گرفتن سود و اضافه، بالذات مقصود است. یعنی در معاوضات یا ربای قرضی فضل و اضافه و منفعت از ابتدای عقد مدنظر و مقصود شخص رباخوار است. مثلاً در ربای قرضی، مقرض قرض را به خاطر کسب سود و منفعت می‌دهد، ولی در خسارت تأخیر تأدیه، برای بانک دریافت اقساط در سررسید پرمفعت‌تر از دریافت خسارت است. به‌عبارت دیگر، اگر بانک اقساط را به موقع بازپس گیرد، با توجه به مدیریت منابع می‌تواند آن را در بخش‌های دیگر اقتصادی به مصرف رسانده و از سود بیشتری برخوردار گردد.

نتیجه‌گیری

- باتوجه به بررسی‌های انجام‌شده در این مقاله درباره نرخ سپرده بانکی، خسارت تأخیر تأدیه و هزینه‌های کارمزدی، موارد زیر نتیجه‌گیری می‌شود:
- 1- اگر چه نرخ حاشیه سود بانکی (spread) معقول و منطقی به نظر می‌رسد لکن نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری در عمل تابع عوامل مؤثر بر نرخ سود مورد انتظار نیست.
 - 2- اعمال سیاست‌های پولی و نظارت بر عملیات سیستم بانکی در کشور ما به‌گونه‌ای است که پوشش ریسک و نرخ تورم از طریق تغییرات نرخ سود امکانپذیر نیست.
 - 3- بهای تمام شده خدمات بانکی براساس سیستم هزینه‌یابی قابل قبولی در سیستم بانکی محاسبه نمی‌گردد.
 - 4- برآوردها نشان می‌دهد کارمزد دریافتی بابت خدمات دولتی با بهای تمام شده آن قابل مقایسه نیست و بانک‌های دولتی از این جهت متحمل زیان قابل توجهی می‌شوند.
 - 5- در مورد حرام بودن اخذ جریمه تأخیر تأدیه اجماع وجود ندارد. اغلب علما اخذ آن را بدون اشکال دانسته و برخی از علما نظیر حضرات آیات عظام آیت‌... مکارم شیرازی و آیت‌... موسوی اردبیلی فقط به نحوه عنوان آن در قراردادهای تسهیلات شبهه گرفته و خواهان تغییر در نحوه بیان آن هستند. با توجه به نتایج اخیر، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:
 - 1- به‌منظور افزایش کارایی بانک‌ها و ایجاد رقابت سالم ضروری است آزادسازی نرخ سود اعم از نرخ سود سپرده‌ها و نرخ سود تسهیلات بانکی در کلیه بخش‌های اقتصادی به تدریج به جای "اعمال نرخ‌های از پیش تعیین شده" و "یکسان‌سازی نرخ" جایگزین شود.
 - 2- هدایت تدریجی نظام بانکی به سمت آزادسازی نرخ سود می‌تواند با تعیین دامنه‌ای از نرخ سود که به حداقل و حداکثر نرخ سود محدود می‌شود آغاز گردد. در مواردی که سیاست دولت کمک به بخش‌های اقتصادی یا قشرهای خاصی باشد تأمین بودجه از محل درآمد عمومی به‌منظور جبران مابه‌التفاوت مربوط به نرخ سود راهکار مناسبی به نظر می‌رسد.

- 3-** در جهت تحقق آزادسازی نرخ سود تسهیلات تشکیل مؤسسات رتبه‌بندی جهت ارزیابی ریسک مشتریان در دستور کار قرار گیرد.
- 4-** برداشتن گام‌های جدی در جهت طراحی و استقرار سیستم هزینه‌یابی مناسب جهت محاسبه دقیق بهای تمام‌شده خدمات ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا لازم است، بهای تمام‌شده خدمات به‌صورت شفاف معین و وضعیت سودآوری بانک‌ها به‌صورت واقعی نشان داده شود.
- 5-** لازم است، دولت کارمزد خدمات دریافتی را متناسب با بهای تمام‌شده آنها پرداخت کند. روشن است، جبران هزینه‌های جدید از طریق افزایش سود بانک‌های دولتی میسر خواهد بود.
- 6-** در محاسبه حداقل نرخ سود تسهیلات عوامل مؤثر بر نرخ سود موردانتظار مدنظر قرار گیرد.
- 7-** در هنگام اعطای تسهیلات، یادداشتی به‌صورت اعلامیه به فرم‌های درخواست تسهیلات الصاق و در آن با خط درشت درج گردد:
- طبق این عقد، در صورت کوتاهی در پرداخت بدهی، تسهیلات‌گیرنده می‌بایست به‌ازای هر روز، مبلغ ریال به‌عنوان جریمه پرداخت کند.
- لازم به ذکر است به جای استفاده از اصطلاحاتی همچون "این درصد از مبلغ وام" بایستی با محاسبه میزان جریمه، مبلغ جریمه عیناً درج شود.

منابع و مأخذ

دکتر شباهنگ، رضا (1378) "حسابداری مدیریت چاپ ششم"، مرکز تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سازمان حسابرسی، تهران.

عالی‌ور، عزیز، (1381) "حسابداری صنعتی - جلد اول مفاهیم و کاربردها در هزینه‌یابی"، سازمان حسابرسی، تهران.

دکتر شباهنگ، رضا، (1379) و (1380) "مدیریت مالی - جلد اول و دوم"، سازمان حسابرسی، تهران.

ترازنامه و گزارش‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (سال‌های مختلف).

عملکرد سیستم بانکی کشور طی برنامه سوم توسعه، وزارت امور اقتصادی و دارایی، تهران (1383).

مؤسسه عالی بانکداری ایران
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران